

بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مرتبط با هویت قومی دانشجویان دانشگاه تعلیم و تربیه کابل

شریف پویا*

چکیده

مطالعه حاضر، عوامل اجتماعی - فرهنگی مرتبط با هویت قومی دانشجویان در دانشگاه تعلیم و تربیه کابل را بررسی می‌کند. در این تحقیق برای تبیین هویت قومی دانشجویان از نظریه «استرایکر» و «گلدنر» استفاده شده و در جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک پیمایش بهره گرفته شده است. این پیمایش بر روی ۳۷۲ نفر از دانشجویان سه گروه قومی در دانشگاه تعلیم و تربیه کابل با شیوه نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک انجام شده است. تجزیه و تحلیل دو متغیره نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین نوع مذهب، هویت دینی، میزان اعتماد به نفس، میزان رضایت از خود، سبک زندگی مشارکتی (سنتی) رابطه معناداری با متغیر وابسته هویت قومی دارند و سایر متغیرها همزمان در هر سه گروه قومی (پشتون، هزاره و تاجیک) ندارند.

کلیدواژه‌ها: هویت ملی، هویت قومی، قومیت، فرهنگ، دین‌داری و دانشگاه تعلیم و تربیه کابل.

۱. مقدمه و کلیات

کمال مطلوب هر حکومت ملی، برخورداری از ملت یک‌پارچه است که در میان اعضای آن، تفاوت‌های چشم‌گیر زبانی، مذهبی، قومی و نژادی وجود داشته باشد و همگان به یک هویت فراگیر ملی تعلق خاطر داشته و به آن وفادار باشند؛ اما در میان کشورهای مستقل جهان کم‌تر کشوری یافت می‌شود که به‌طور طبیعی دارای جمعیتی فاقد تفاوت‌های زبانی، مذهبی و قومی باشد. افغانستان یکی از این کشورها است که دارای گروه‌های گوناگون قومی، زبانی، فرهنگی و مذهبی در چارچوب این سرزمین زندگی می‌کنند تا آن‌جا که از سرزمین و کشور افغانستان با عناوینی؛ چون: «موزه اقوام»، «گنجینه اقوام» و «موزاییک قومیت‌ها» یاد شده است.

این سرزمین از لحاظ تنوع و ناهمگونی قومی، چهارمین کشور در آسیا (پس از هند، چین و مالزی) به‌شمار می‌رود و در سطح جهان مقام سی و هفتم را دارا است (یزدانی، ۱۳۷۲: ۱۲۹).

تنوع و ناهمگونی قومی و فرهنگی این سرزمین تا آن‌جا گسترده است که اگر مسافر یا سیاحی از یک ولایت (استان) به ولایت دیگر یا از شهری به شهر دیگر برود، گمان می‌کند از کشوری به کشور دیگر رفته است؛ زیرا در شهر یا ولایت فرضی دوم زبان، آداب، رسوم، طرز لباس پوشیدن، ظاهر فیزیکی، زندگی، علایق نژادی و خرده‌فرهنگ مردم ساکن، تفاوت اساسی و ماهوی با شهر یا ولایت فرضی اول دارد و تنها حلقه وصل و پیوند آن‌ها داشتن دین مشترک و قرارگرفتن در چارچوب واحد جغرافیایی موسوم به افغانستان است و بس (ارزگانی، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۶).

امروزه هویت، نحوه شکل‌گیری و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن از مسائل مورد توجه بسیاری از پژوهشگران علوم اجتماعی است. هویت اجتماعی، به‌ساده‌ترین بیان تعریفی است که افراد بر مبنای عضویت در گروه‌های اجتماعی از خویشتن دارند (براون، ۱۹۸۵: ۷۷۱). به بیان دیگر، هویت اجتماعی خصیصه همه انسان‌ها به‌عنوان موجوداتی اجتماعی است و

نیز به شیوه‌هایی اشاره دارد که به واسطه آن‌ها جماعت در روابط اجتماعی خود از افراد جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند.

یکی از مهم‌ترین ابعاد هویت اجتماعی، هویت قومی است. هویت قومی را می‌توان مجموعه ایده‌های فرد در باره اعضای گروه قومی خود و بازشناسی خود با استفاده از برچسب‌های قومی دانست (مارتا^۱، ۱۹۹۳: ۱).

اگر کل یک جامعه را یک نظام کل در نظر بگیریم، آنگاه مجموعه فرهنگ‌های محلی و منطقه‌ای شکل‌دهنده آن جامعه را نیز می‌توانیم خرده‌نظام‌های فرهنگی بنامیم. انسجام نهایی جامعه محصول ارتباط منظم میان این خرده‌نظام‌ها و هم‌چنین ارتباط نظم‌یافته هریک از این خرده‌نظام‌ها با نظام کلی است. اگر هر کدام از این رابطه‌ها نتوانند نقش‌های خود را به درستی ایفا کنند، سیستم کل نمی‌تواند کارکردهای خود را به درستی اجرا کند. افغانستان نیز از این امر مستثنا نیست. جامعه افغانستان، چند قومیتی و دارای حیات موزائیکی می‌باشد. در یک نگاه کلی بیش از پنجاه قومیت با خصوصیات خاص قومی-زبانی و سنت‌های ویژه، در این سرزمین شناسایی شده‌اند (ارزگانی، ۱۳۹۰: ۳۷)؛ برای مثال: پشتون‌ها، تاجیک‌ها، هزاره‌ها، ازبک‌ها و... برای اجرای کارکردهای سیستم کل، هر کدام از این خرده‌سیستم باید نقش‌ها و کارکردهای خود را در قبال سیستم کل و متقابلاً سیستم در قبال آن‌ها انجام دهد؛ اما ما شاهد نقص‌هایی در عملکرد سیستم کل و خرده‌نظام‌ها هستیم.

حال با توجه به این‌که هویت ملی خمیرمایه اصلی روند ملت‌سازی^۲ یا کشورسازی^۳ به‌شمار می‌رود (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۱۸) و با در نظر گرفتن این‌که افغانستان شاهد نقص‌هایی در کارکرد عناصر مختلف نظام و خرده‌نظام‌های تابعه در این عرصه نسبت به همدیگرند، می‌توان این نتیجه را گرفت که هویت ملی افغان‌ها آنچنان‌که در روند ملت‌سازی می‌توانست به کار آید، کارکرد مثبت و کامل خود را حداقل در میان اکثریت از اقوام و خرده‌نظام‌های

1. Martha.

2. Nation Building.

3. State Building.

قومی از دست داده است. در واقع تشکیل هویت‌های موازی هویت کل و جمعی در افغانستان موجب تضعیف هویت ملی گردیده است و نظم ساختار اجتماعی کل مورد تردید قرار گرفته است. این بدان معنا است که هویت‌های خرد و قومی نقشی تعیین‌کننده‌تر را در شبکه هویتی افراد بازی می‌کنند. در پهنه واقعیت عینی جامعه این امر موجب تشکیل شبکه‌های اجتماعی درون‌گروهی^۱ در مقابل شبکه‌های اجتماعی برون‌گروهی^۲ و چندگانه در میان اقوام افغانستان شده است. آنچنان که آشکار است، شبکه روابط اجتماعی چندگانه و برون‌گروهی (سرمایه اجتماعی)^۳ موجب ارتباطات گسترده میان افراد در درون گروه‌های متفاوت می‌شود، در نتیجه احساس فاصله اجتماعی افراد را نسبت به هم کاهش داده و در رابطه با موضوع هویت موجب شکل‌یافتن هویت جمعی در افراد می‌شود. اما در نقطه مقابل، شبکه‌های درون‌گروهی و قومی موجب محدود شدن دایره ارتباطات اجتماعی افراد شده و در نتیجه امکان تشکیل هویت جمعی و فرادرون‌گروهی را به اندازه زیادی سلب می‌کند. در واقع چنین روابط درون‌گروهی در سطح کلان موجب پیدایش زمینه‌های ناسیونالیسم قومی می‌شود و هویت جمعی و ملی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. البته نقش عواملی که موجب و پدیدآورنده این موضوع هستند را نیز نباید نادیده گرفت؛ بدین معنا، ساختار و جغرافیای سیاسی افغانستان نیز بر تشکیل و قدرت‌یابی ناسیونالیسم قومی بی‌تأثیر نیستند.

۱-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

همان‌طور که در بخش مقدمه ذکر شد، تنوع فرهنگی و قومی در افغانستان زیاد است. در چنین جوامعی معمولاً احساس تعهد و دلبستگی گروه‌های متنوع فرهنگی به هویت مرکزی و ملی آن جامعه بسیار حیاتی است؛ زیرا دستیابی به وفاق و وحدت ملی در گرو آن است. این وحدت و وفاق ملی از جهات گوناگون قابل بحث است. از بعد سیاسی، وفاق ملی برای حفظ تمامیت ارضی و ممانعت از تجزیه کشور بسیار ضروری است و اختلاف اقوام و گروه‌ها با دولت ملی و یا اختلاف بین اقوام موجب تزلزل حاکمیت ملی می‌شود. اگر از

1. Ethnical Bonding Social Networks.

2. Bridging Social Networks.

3. Social Capital.

دیدگاه اقتصادی به این قضیه نگریسته شود، امنیت و آرامش مهم‌ترین اصل برای توسعه، پیشرفت و سرمایه‌گذاری در کشور است و اگر نزاعی بین گروه‌ها وجود داشته باشد، انرژی و سرمایه جامعه صرف حل منازعات شده و مانعی در جهت پیشرفت اقتصادی می‌شود. در بعد اجتماعی نیز، روابط اجتماعی مسالمت‌آمیز و به‌دور از تنش بین گروه‌های متنوع فرهنگی، موجب همبستگی ملی بالا و مبادلات فرهنگی چندگانه بین اقوام می‌شود. «آبرل» و همکاران نیز در این زمینه پیش‌نیازهای کارکردی جامعه را مطرح می‌کنند. آن‌ها معتقدند که هر جامعه‌ای برای این‌که ویژگی‌های یک جامعه را دارا باشد، باید کارکردهایی را انجام دهد تا کشور به سمت توسعه و پیشرفت حرکت کند؛ از جمله این پیش‌نیازها عدم بی‌تفاوتی جمعیت نسبت به همدیگر، عدم جذب جمعیت جامعه به جوامع دیگر، عدم موضع‌گیری افراد جمعیت نسبت به همدیگر و... می‌باشد (ریتزر، ۱۳۸۹: ۱۲۸-۱۲۷)؛ اما در کشور افغانستان، این کارکردها به‌ندرت به‌طور کامل و صحیح اجرا می‌شوند و کژکارکردهایی بسیار را در این زمینه شاهد هستیم که در مجموع موجب فرسایش سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و انسانی در افغانستان گردیده است. در واقع تحقیق حاضر با پذیرش رویکرد اثبات‌گرایان به زمینه اجتماعی، معتقد است که زمینه اجتماعی تحقیق در حال حاضر دچار آسیب‌هایی است که موجب کژکارکردهای زیادی در زمینه‌های مختلف در افغانستان شده است. در نتیجه تحقیق حاضر با پذیرش این روند و با تحقیق علمی، سعی در بررسی این روند دارد و در پی آن است که با ارائه پیشنهادهایی که از نتایج تحقیق استخراج می‌شود، در اصلاح وضع موجود گام بردارد. هدف کلی این تحقیق بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با هویت قومی دانشجویان دانشگاه تعلیم و تربیه کابل را در میان سه قوم پشتون، هزاره و تاجیک بررسی می‌کند. هدف جزئی، بررسی رابطه هویت ملی، هویت دینی، هویت جهانی، میزان اعتماد به نفس، رضایت از خود، سرمایه اجتماعی، میزان استفاده از رسانه‌های همگانی و سبک زندگی با هویت قومی دانشجویان می‌باشد.

۲-۱. پیشینه و تاریخچه تحقیق

پویا (۱۳۹۲) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با هویت

ملی دانشجویان دانشگاه تعلیم و تربیه کابل» به این نتیجه رسیده است که بین متغیرهای سن، هویت دینی، هویت جهانی، سرمایه اجتماعی، سبک زندگی اجتماعی - مشارکتی و میزان استفاده رسانه‌های داخلی و هویت در بین گروه‌های قومی دانشجویان هزاره، پشتون و تاجیک رابطه معناداری مثبت به جز سن وجود دارد.

ارزگانی (۱۳۹۰) در کتاب «افغانستان؛ رنگین کمان اقوام» به این جمع‌بندی رسیده است که تنوع و پیچیدگی قومی، فرهنگی، لسانی و مذهبی امروز افغانستان، مولود و محصول تاریخ پرآشوب این سرزمین و دیگر ملت‌ها و کشورهای منطقه است؛ مهاجرت‌ها و جابه‌جایی‌های گسترده گروه‌های انسانی در پرتو تاریخ، موقعیت خاص جغرافیایی این سرزمین به عنوان چهارراه و شاهراه قاره کهن آسیا، محیط متنوع و متکثر حوزه‌های تمدنی پیرامون آن، حدود و ثغور تحمیلی و مصنوعی آن، محیط و طبیعت خشن و ناسازگار داخلی آن و سایر عوامل و دلایل بوده است. این ساخت و بافت جمعیتی از گذشته‌های دور به یادگار مانده و یک حقیقت اجتناب‌ناپذیر و غیر قابل کتمان است.

سعادت (۱۳۸۵) در یک تحقیق پژوهشی به این فرضیه پرداخته است که تکثر قومی در ذات خود یک امر منفی نبوده و نیست؛ بلکه در مواردی عامل انسجام، توسعه و پیشرفت اجتماعی نیز بوده است؛ اما در افغانستان این تکثر، بستر اصلی منازعات سیاسی و اجتماعی بوده و به یک مسأله جدی تبدیل شده است. اگر مسأله قوم و قوم‌گرایی را در افغانستان تبارشناسی کنیم، ریشه‌های این تفکر را در میان نخبگان پشتون خواهیم یافت. پشتون‌ها به دلیل زندگی قبیله‌ای که داشته و دارند و در نتیجه عصبیت شدید قومی که دارند، همواره همبستگی قومی خود را در قالب‌ها و چهره‌های گروهی و یا مذهبی حفظ کرده و ابتکار عمل را در دست داشته و بر گفت‌وگو نژادپرستی و تبارگرایی تأکید کرده‌اند؛ زیرا پشتون‌ها همواره با به حاشیه‌راندن اقوام دیگر از مرکز سیاسی و جغرافیای کشور، در صدد بازتعریف و انطباق هویت افغانی (پشتونی) بر تمام ساکنین این سرزمین بوده است.

سجادی (۱۳۸۰) در کتاب «جامعه‌شناسی سیاسی افغانستان؛ قوم، مذهب و حکومت» به

این نتیجه دست یافته است که در سه قرن اخیر تاریخ سیاسی افغانستان، قومیت به عنوان یک مؤلفه اساسی در تشکیل و تثبیت قدرت سیاسی نقش داشته و ساختار قدرت در این کشور همواره ساختار «قوممدارانه» و «قوممحور» بوده است. به همین دلیل، دارندگان قدرت، در ساختار سیاسی از آغاز تا فروپاشی (۱۳۵۷) تحت تأثیر عنصر قومیت حرکت کرده‌اند. از دیدگاه نویسنده، عصر عبدالرحمان که عصر فروپاشی بنیان نظام فئودالی و شکل‌گیری قدرت مرکزی محسوب می‌شود، ساختار قدرت بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر تعلقات قبیله‌ای و قومی قرار داشته و اقوام دیگر از محرومیت سیاسی بیش‌تری برخوردار بوده‌اند.

«گالیه‌ر»^۱ و همکاران (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر تجربه احساس تبعیض و میزان هویت قومی در سازگاری ناواجویی‌های مقیم آمریکا در فرهنگ ملی آن کشور در دو مطالعه پیمایشی طولی در طی دوسال پرداخته‌اند. نتایج آن‌ها حاکی از این بود که افرادی که میزان پایینی از اعتماد به نفس و در مقابل میزان بالایی از احساس تبعیض داشته‌اند، سازگاری بسیار کم‌تری در فرهنگ آمریکایی و هویت جمعی آمریکایی در طول هر دوسال داشته‌اند. این روند به گونه‌ای بوده است که در مطالعه دوم در سال دوم میزان احساس تبعیض بسیار بالا از دو سال قبل‌تر از آن گزارش شده بود.

بنیاد اندیشه

«لی» و «پراتو»^۲ (۲۰۱۱) در مطالعه‌شان در تحلیلی ثانویه^۳ به بررسی هویت قومی و هویت ملی در تایوان بعد از افول قدرت چین در این منطقه پرداخته‌اند. نتایج آن‌ها حاکی از آن است که خاطره‌های تاریخ و تفوق سیاسی نسبت به فرهنگ تایوانی در مقابل فرهنگ چینی در تمام گروه‌های قومی مورد مطالعه افزایش یافته است و افراد از طریق هویت تایوانی خود را شناسایی می‌کنند.

«سابلونیره»^۳ و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیقی به بررسی «نقش محرومیت نسبی و رفاه شخصی» در درگیری‌های قومی و ملی در قرقیزستان در سال ۲۰۱۰ پرداخته‌اند. به نظر

1. Renee V. Galliher.

2. Liliana & Rodriguez.

3. Sablonniere.

آن‌ها هرچند احساس محرومیت نسبی در ایجاد نارضایتی و درگیری در میان اقوام نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است؛ اما رفاه شخصی نیز در این بین بی‌تأثیر نبوده است؛ بدین معنا که احساس محرومیت نسبی در کنار رفاه شخصی نسبتاً بالا موجب درگیری‌های قومی شده است.

«گونگ»^۱ (۲۰۰۷) در تحقیقی تحت عنوان «هویت قومی و تعیین هویت با گروه اکثریت: رابطه آن با هویت ملی و اعتماد به نفس»، سعی دارد تا بین تعیین هویت با گروه اکثریت و جامعه‌ای بزرگ‌تر تمایز قائل شود. در این تحقیق با نشان‌دادن این مسأله که هویت قومی دوفرهنگی می‌تواند در هویت ملی مشارکت داشته باشد و از برجستگی گروه اکثریت برای حمایت از هویت ملی بکاهد، بین تعیین هویت با گروه اکثریت و هویت ملی تمیز قائل می‌شود و این به‌طور واضح اهمیت و ضرورت در نظر گرفتن هویت قومی و تعیین هویت به‌وسیله گروه اکثریت نشان می‌دهد.

«آماناتیلور» (۲۰۰۴) در مطالعه خود در پی بررسی رابطه اعتماد به نفس و هویت قومی بوده است. نتایج وی که در میان سه گروه قومی در آمریکا انجام شده بود، نشان‌دهنده این واقعیت بوده است که رابطه مستقیم و مثبتی میان میزان اعتماد به نفس و میزان هویت قومی در میان مشارکت‌کنندگان وجود داشته است.

۲. چارچوب نظری

در مورد ناسیونالیسم قومی و قومیت دو قلمرو اساسی نظری وجود دارد. در یک قلمرو، مکاتب گوناگون فکری در باره ماهیت قومیت و ناسیونالیسم به‌چشم می‌خورد و قلمرو دیگر بحث‌های نظری در خصوص علل سیاسی شدن مسأله قومیت اختصاص دارد. در باره ماهیت قومیت و ریشه گروه‌های قومی به‌طور کلی سه دیدگاه بیان شده است: مکتب «کهن‌گرایی»^۲،

1. Li Gong.

2. Primordialism.

«ابزارگرایی»^۱ و «سازهانگاری اجتماعی»^۲ (احمدی، ۱۳۸۹: ۱۴۲).

۲-۱. کهن گرایی

این رهیافت که ادوارد شیلز^۳ و کلیفورد گیرتز^۴، وان دن برگ^۵، واکر^۶ از شارحان آن به‌شمار می‌روند، دو ریشه دارد. ریشه نخست که به عقاید تاریخ‌گرایانه قرن هجدهم و نوزدهم برمی‌گردد، هویت قومی را امری باطنی، قلبی و قدیمی می‌داند که متأثر از تعلق خاطر اولیه افراد نسبت به یک گروه یا یک فرهنگ است. در این مکتب هویت قومی ریشه‌های تاریخی دارد و عمیقاً در فرهنگ مردم نهفته است و به‌وسیله اسطوره‌های جمعی و خاطرات، کنش‌ها و نهادهای اجتماعی تقویت می‌شود و از راه جامعه‌پذیری بین‌نسلی در طول زمان داوم می‌یابد. نحله دوم که ریشه‌های طبیعت‌گرایانه و زیست‌شناسی اجتماعی^۷ دارد، بر این باور است که تداوم تاریخی هویت و همبستگی گروه‌های قومی، ناشی از انگیزه یا سائقه ذاتی بشر برای تولید مثل و تداوم به حداکثر رساندن میراث و سرمایه‌های ژنتیکی است. همان‌گونه که انسان‌ها برای تداوم نسل تولید مثل می‌کنند، اجتماعات انسانی نیز فرهنگ، سنت‌ها و ارزش‌هایی را که به آن‌ها تعلق دارند، حفظ می‌کنند و آن‌ها را جزئی از شخصیت خود می‌شمارند و به آینده امتداد می‌دهند. همانند خیلی نیاز به بقای ژنتیکی، حس بقای فرهنگی هم در انسان و گروه‌ها وجود دارد (کریمی، ۱۳۹۰: ۷۸-۸۰).

۲-۲. ابزارانگاری

این نگرش، قومیت را یا به‌منزله نیروی جایگزین نیروهای اجتماعی اساسی‌تر مثل طبقه دانسته یا ابزاری در اختیار افراد منفعت‌طلب می‌داند که برای نیل به اهداف جاه‌طلبانه سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی خود از توده‌های قومی استفاده می‌کنند (کریمی، ۱۳۹۰: ۸۰). به‌طور

1. Instrumentalism.
2. Social Constructivism.
3. Edward Shils.
4. Clifford Geertz.
5. Van Den Berghe.
6. Walker Connor.
7. Social Biological.

کلی، ابزارانگاران در رأس آن پال ار. براس معتقدند هویت‌های ملی و قومی وسیلهٔ منعطفی در دست گروه‌های نخبهٔ رقیب‌اند تا در مبارزهٔ کلی بر سر قدرت، ثروت و اعتبار، حمایت توده‌ای به‌وجود آورند. نظریه‌پردازان ابزارانگاری در تقابل شدید با ازلی‌انگاران هویت قومی که قومیت را امری «داده شده» و موجود در وضعیت بشر می‌دانستند، مدعی هستند که تعلقات قومی و سیاسی در پاسخ به اوضاع و شرایط متحول و دخل و تصرف نخبگان سیاسی به‌طور مداوم بازتعریف و بازسازی می‌شوند. هم‌چنین مطالعهٔ قومیت و ملیت تا حدود زیادی مطالعهٔ تحول فرهنگی است که سیاست آن را برانگیخته است. به بیانی دقیق‌تر، فرآیندی است که از طریق آن نخبگان رقیب در داخل گروه‌های قومی وجوهی از فرهنگ‌های قومی را برمی‌گزینند، ارزش و معنای جدیدی به آن می‌بخشند و از آن‌ها به‌عنوان نهادهایی برای بسیج گروه، دفاع از منافع آن و رقابت با دیگر گروه‌ها سود می‌جویند (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۱۳۷).

۳-۲. سازه‌انگاری اجتماعی^۱

سازه‌انگاری رهیافتی است که ضمن این‌که واقعی بودن^۲ قومیت را انکار نمی‌کند، آن را در قالب درک، تفسیر و معناسازی انسان و شرایط سیاسی، اجتماع، اقتصادی و فرهنگی قرار می‌دهد. از این دیدگاه مقولهٔ قومی سازه اجتماعی زمینه- پرورده^۳، متغیری موقعیتی^۴ و قابل مذاکره است؛ زیرا طبق این دیدگاه، گروه‌ها اشیایی متمایز به شیوه‌ای پوزیتیویستی نیستند؛ بلکه موجودی مشروط به موقعیت‌اند و محصول تعامل و فرایندهای طبقه‌بندی و مقوله‌سازی^۵‌اند. هویت افراد نه در خلأ، بلکه در موقعیت‌های اجتماعی ایجاد می‌شود. به همین دلیل، هویت قومی در برخی موارد مهم و در برخی دیگر از زمینه‌ها فاقد اهمیت می‌شود.

هویت و گروه قومی سازه‌هایی اجتماعی‌اند و برساختهٔ نیروهای تاریخی و جغرافیایی

1. Social Constructivism.
2. Realness.
3. Context-based.
4. Situational.
5. Classificatory processes.

ویژه‌اند، نه واقعیت‌های صرفاً بیولوژیکی که معنای آن‌ها از طبیعت برآمده باشد؛ بنابراین، از زاویه سازه‌نگارانه، هویت قومی فراورده فرایندهایی است که ریشه در انتخاب‌ها و کنش‌های انسان دارد تا این‌که پدیده‌ای طبیعی باشد (کریمی، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۲).

گیدنز هویت را در پهنه جهانی شدن مورد بررسی قرار می‌دهد. به باور گیدنز، با ورود به دوره مدرنیته متأخر و گسترش روزافزون تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی، نفوذ و تأثیرات سنت روزبه‌روز کاسته شده است. بدین جهت امکان انتخاب آگاهانه، تنوع انتخاب و به‌طور کلی انتخاب سبک خاص زندگی برای افراد مهیا و فراهم می‌شود. به دلیل همین پویایی در جوامع امروزی، تعریفی که گیدنز از هویت ارائه می‌کند، کاملاً سیال و همواره در حال تغییر است. به‌باور گیدنز، هویت عبارت است از: «خود شخص آن طوری که شخص از خودش تعریف می‌کند. به‌نظر گیدنز، هویت انسان در کنش متقابل با دیگران ایجاد می‌گردد و در جریان زندگی پیوسته تغییر می‌کند. هیچ‌کس دارای هویت ثابتی نیست. هویت، سیال و همواره در حال ایجادشدن و عوض‌شدن است» (گیدنز، ۱۳۸۹: ۱۵).

گیدنز با ارائه مفهوم شیوه زندگی میان جهانی‌شدن و ساختارهای محلی ارتباط برقرار می‌کند. به‌باور وی، شیوه‌های زندگی در واقع بخشی از محیط فردی و اجتماعی است که اعضای جامعه می‌توانند بر روی آن نظارت و کنترل داشته^۱ و به بیانی تحت قدرت آن‌ها است و بر اساس آن می‌توانند هویت خود را تولید و بازتولید نمایند و آن را به نمایش بگذارند. تحول سبک‌های زندگی و دگرگونی‌های ساختاری مدرنیته متأخر به‌واسطه بازتابندگی به یکدیگر گره می‌خورند و به‌دلیل گشودگی زندگی اجتماعی امروز و کثرت زمینه‌های کنش و منابع، انتخاب سبک زندگی برای ساختن هویت شخصی به‌طور فزاینده‌ای اهمیت می‌یابد (گیدنز، ۱۳۸۹: ۸۸).

استرایکر در نظریه‌های خود سلسله‌مراتب برجستگی هویت^۱ و نظریه هویت عاطفه^۲ به بررسی رفتار انسانی در اجرای نقش‌های هویت در زمینه کنش متقابل اجتماعی نمادین

1. Salience Hierarchy of Identity.
2. Identity theory of Emotion.

پرداخته است. وی با تأکید بر موقعیت کنش‌گران، در واقع میان فرد و ساختار اجتماعی رابطه برقرار می‌کند و از سطح فردی به سطح ساختاری حرکت می‌کند و سپس این مسیر را دوباره برمی‌گردد (استرایکر، ۱۹۹۹: ۲۳؛ دسروکرس و همکاران، ۲۰۰۴: ۶۱؛ ریتز، ۱۳۸۴: ۳۰۸).

استرایکر معتقد است که بسیاری از کنش‌های رفتاری ما در ساختارهای اجتماعی مشخص قابل تعیین هستند و افراد تقریباً از انتظارات هویتی و نقشی خود در موقعیت‌ها آگاه هستند؛ اما هم‌چنان که شروع به کنش متقابل می‌کنند، کنش و محتوای کنش متقابل آن‌ها می‌تواند تغییر کند و همسو با انتظارات آن‌ها از آن موقعیت ساختاری نباشد. مقدار این تغییرات به نوع ساختار اجتماعی بستگی دارد؛ اما در هر صورت ساختار کنش‌های افراد را محدود می‌کند. در نهایت پلی که استرایکر میان فرد و ساختار می‌زند، موجب برتری ساختار بر فرد می‌شود؛ زیرا وی معتقد است که افراد خودشان را به‌عنوان ابژه‌هایی در رابطه با موقعیت در ساختار اجتماعی درک و شناسایی می‌کنند (ترنر، ۲۰۰۳: ۳۶۹).

۲-۴. چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری تحقیق حاضر بر اساس نظریه شلدون استرایکر و آنتونی گیدنز تنظیم شده است. هم‌چنان تحقیق حاضر هدف خود را بررسی عواملی اجتماعی- فرهنگی مرتبط با هویت قومی تعیین کرده، چارچوب نظری منتخب نیز سعی در مفهوم‌پردازی دقیق این هدف برآمده است.

نظریه استرایکر آن‌چنان‌که در مبانی نظری تحقیق ارائه گردید، به بررسی برجستگی هویت می‌پردازد. این نظریه هویت را در رابطه با فرد و ساختار اجتماعی قرار می‌دهد و در واقع هویت را در سطح متوسط مورد بررسی قرار می‌دهد. نظریه سلسله‌مراتب برجستگی هویت استرایکر بر این نکته تأکید می‌کند که هویت‌ها نمایش‌هایی هستند که افراد در رابطه با موقعیت‌شان در ساختار اجتماعی اجرا می‌کنند. این نمایش‌های ساختاری و موقعیتی در نزد وی سلسله‌مراتبی برجستگی قرار می‌گیرند. این برجستگی‌ها سبب می‌شود که هویت در این سلسله‌مراتب در سطح بالاتری نسبت به هویتی که در سطح پایین‌تری قرار دارد، بیش‌تر

مورد استفاده فرد قرار گیرد.

گیدنز هویت را در پهنه جهانی شدن مورد بررسی قرار می دهد. به باور گیدنز با ورود به دوره مدرنیته متأخر و گسترش روزافزون تکنولوژی های ارتباطی و اطلاعاتی، نفوذ و تأثیرات سنت روزبه روز کاسته شده است. بدین جهت امکان انتخاب های آگاهانه، تنوع در انتخاب ها و به طور کلی انتخاب سبک خاص زندگی برای افراد مهیا و فراهم می شود. از جانب دیگر، وی با ارائه مفهوم شیوه زندگی میان جهانی شدن و ساختارهای محلی ارتباط برقرار می کند. به باور وی، شیوه های زندگی در واقع بخشی از محیط فردی و اجتماعی است که اعضای جامعه می توانند بر روی آن نظارت و کنترل داشته و به بیانی تحت قدرت آن ها است و بر اساس آن می توانند هویت خود را تولید و بازتولید نمایند و آن را به نمایش بگذارند. تحول سبک های زندگی و دگرگونی های ساختاری مدرنیته متأخر به واسطه بازتابندگی به یکدیگر گره می خورند و به دلیل گشودگی زندگی اجتماعی امروزی و کثرت زمینه های کنش و منابع، انتخاب سبک زندگی برای ساختن هویت شخصی به طور فزاینده ای اهمیت می یابد.

۲-۵. فرضیه های پژوهش

برای دستیابی به اهداف پژوهش و با توجه به چهارچوب نظری موجود، فرضیه های زیر مطرح می شود:

- بین نوع مذهب دانشجویان و هویت قومی آن ها رابطه معنادار وجود دارد.
- بین هویت ملی پاسخ گویان و هویت قومی آن ها رابطه معنادار وجود دارد.
- بین میزان هویت دینی پاسخ گویان و هویت قومی آن ها رابطه معنادار وجود دارد.
- بین میزان هویت جهانی و هویت قومی پاسخ گویان رابطه معنادار وجود دارد.
- بین میزان اعتماد به نفس و رضایت از خود پاسخ گویان و هویت قومی آن ها رابطه وجود دارد.

- بین میزان استفاده از رسانه‌های همگانی و هویت قومی افراد رابطه معنادار وجود دارد.
- بین سبک زندگی مدرن و سنتی پاسخ‌گویان و هویت قومی آن‌ها رابطه وجود دارد.

۳. روش پژوهش

رویکرد مورد استفاده در این پژوهش، کمی و روش مورد استفاده روش پیمایشی بوده و از ابزار پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل کل دانشجویان دانشگاه تعلیم و تربیه کابل در سال ۱۳۹۰ بوده‌اند. تعداد افرادی که در این تحقیق مورد پرسش قرار گرفتند، بر اساس فرمول کوکران ۳۶۵ نفر می‌شد و به‌خاطر دقت تحقیق ۳۷۲ در نظر گرفته شده است. چگونگی انتخاب نمونه بر اساس نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک بود که در نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک با تقسیم حجم جمعیت بر حجم نمونه، نسبت نمونه‌گیری به‌دست می‌آید. متغیر وابسته این تحقیق هویت قومی می‌باشد. هویت قومی را می‌توان مجموعه ایده‌های فرد در باره اعضای گروه قومی خود و بازشناسی خود با استفاده از برچسب‌های قومی دانست (مارتا، ۱۹۹۳: ۱). این متغیر با استفاده از بیست و یک سؤال نگرشی در قالب طیف لیکرت و در سطح سنجش فاصله‌ای مورد سنجش قرار می‌گیرد. متغیر مستقل مذهب به دین معنا که پای‌بندی و تعلق به نوع خاصی از مذاهب رسمی در قالب ادیان الهی و ابراهیمی است. سطح سنجش این متغیر به‌صورت اسمی مطرح شده است. و متغیر هویت ملی را می‌توان به‌عنوان مجموعه معناسازی بر مبنای سیستمی به هم‌پیوسته از ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی، سیاسی و جغرافیایی تعریف کرد. این متغیر با استفاده از ۲۶ سؤال نگرشی در قالب طیف لیکرت و در سطح سنجش فاصله‌ای مورد سنجش قرار می‌گیرد. متغیر مستقل هویت دینی، نشان‌دهنده احساس تعلق و تعهد به دین و جامعه دینی است. این متغیر به‌وسیله طیفی که شامل ۱۸ گویه می‌باشد، مورد سنجش قرار می‌گیرد. سطح سنجش این متغیر نیز در سطح فاصله‌ای می‌باشد. متغیر هویت جهانی، فرایند اجتماعی است که در آن قیدوبندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده، از بین می‌رود و مردم به‌طور فزاینده از کاهش این قیدوبندها آگاه می‌شوند. این متغیر به‌وسیله طیفی

که شامل هشت گویه می‌باشد، مورد سنجش قرار می‌گیرد. سطح سنجش این متغیر نیز در سطح فاصله‌ای می‌باشد. متغیر مستقل میزان اعتماد به نفس و رضایت از خود، هردو، بعد روان‌شناختی دارد و به معنای ارزشمند دانستن خود و ارزیابی شناختی و آگاهانه از کیفیت زندگی خود به مثابه یک کل واحد است. برای سنجش پایایی ابزار سنجش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. اعتبار ابزار سنجش، اعتبار صوری بوده و روایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شده است.

به منظور سنجش متغیر مستقل رسانه‌ها، میزان استفاده پاسخ‌گویان از انواع مختلف رسانه‌ها شامل تلویزیون (شبکه‌های ملی، خصوصی و بین‌المللی)، رادیو (داخلی، خارجی)، روزنامه و مجله‌ها، ماهواره، اینترنت و... پرسیده شده و در نهایت تجزیه و تحلیل، رسانه‌ها در دو گروه رسانه‌های داخلی و محلی (شامل رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، مجله‌ها و سایت‌ها) و رسانه‌های خارجی و بین‌المللی (رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، مجله‌ها و سایت‌ها) مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برای سنجش پایایی ابزار سنجش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. هم‌چنین به منظور سنجش سبک زندگی پاسخ‌گویان، سبک زندگی سنتی (گوش دادن به موسیقی سنتی، استفاده از لباس‌های سنتی، دیدن و بازدید خویشاوندان و...) و سبک زندگی مدرن (رفتن به تئاتر، سیاحت، آموزش کامپیوتر و زبان خارجی، صرف غذا در رستوران و...) در این فرضیه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برای سنجش پایایی ابزار سنجش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. اعتبار ابزار سنجش، اعتبار صوری بوده و روایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شده است.

۳-۱. یافته‌های تحقیق

این تحقیق بر روی یک نمونه ۳۷۲ نفری که ۱۶۴ نفر زن و ۲۰۸ نفر مرد؛ از لحاظ قومی ۹۴ نفر پشتون، ۱۳۹ نفر هزاره، ۱۱۶ نفر تاجیک و ۲۳ نفر سایر اقوام؛ از لحاظ مذهبی ۲۱۹ نفر سنی و ۱۵۱ نفر شیعه و ۲ نفر از پیروان دیگر مذاهب؛ رشته‌های تحصیلی آن‌ها ۹۰ نفر علوم اجتماعی، ۶۶ نفر علوم طبیعی، ۱۲۱ نفر زبان و ادبیات، ۵۵ نفر تعلیمات مسلکی و ۴۰

نفر بخش تربیت بدنی در دانشگاه تعلیم و تربیه کابل بین دانشجویان آن دانشگاه انجام شده است. میانگین سنی پاسخ‌گویان ۲۲,۲۲ سال و بالاترین سن ۳۸ و پایین‌ترین سن ۱۸ سال در بین دانشجویان مورد تحقیق بودند. در جدول شماره ۱، علاوه بر نمایش ضریب آلفای کرونباخ، چگونگی توزیع متغیرهای مستقل و وابسته بر اساس شاخص‌های ترکیبی آمده است. هم‌چنین یافته موجود در جدول نشانگر آن است که ضریب آلفای کرونباخ متغیرها در حد قابل قبولی از لحاظ آماری قرار دارند.

جدول شماره ۱: نتیجه آزمون پایایی متغیرهای وابسته و مستقل و چگونگی توزیع و درصدی آن‌ها

مقیاس	ضریب آلفای کرونباخ و تعداد گویه‌ها		توزیع درصد نمره کل		
			تاجیک	هزاره	پشتون
هویت دینی	۰,۷۲۰	۱۸	۵۵,۶۲	۵۵,۳۸	۵۷,۱۱
هویت قومی	۰,۸۴۳	۲۱	۶۲,۳۱	۷۰,۵۵	۶۲,۳۱
هویت ملی	۰,۸۰۷	۲۶	۱۰۰	۹۹,۵۴	۱۰۰
هویت جهانی	۰,۷۰۰	۶	۲۵,۷۲	۲۸,۰۱	۲۵,۴۶
اعتماد به نفس	۰,۷۰۱	۵	۲۵,۹۵	۲۶,۰۱	۲۴,۹۳
رضایت از خود	۰,۷۱۰	۶	۲۱,۳۳	۲۱,۷۴	۲۱,۵۲
سرمایه اجتماعی مشارکتی	۰,۷۸۵	۸	۱۹,۹۴	۲۰,۸۳	۲۰,۹۱
سبک زندگی	۰,۷۷۰	۱۳	۵۳,۹۶	۵۲,۷۶	۵۱,۷۷
سرمایه اعتماد اجتماعی	۰,۸۱۰	۸	۲۸,۴۲	۲۹,۲۲	۲۷,۲۳

جدول شماره ۲ آزمون تفاوت میانگین هویت قومی پاسخ‌گویان در ۳ گروه قومی را برحسب جنسیت افراد نمونه نشان می‌دهد. نتایج به‌دست‌آمده بر اساس آزمون T فرضیه فوق را رد نموده و تفاوت معناداری را به‌لحاظ آماری بین میانگین ۳ گروه قومی نشان نمی‌دهد.

جدول شماره ۲: آزمون تفاوت میانگین هویت قومی افراد در ۳ گروه قومی برحسب جنس

قومیت	جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
پشتون	مرد	۴۴	۷۳,۵۹	۱۴,۵۲	-۰,۵۳۸	۰,۱۲۷
	زن	۵۰	۶۸,۷۴	۱۵,۸۷		
هزاره	مرد	۸۶	۷۰,۶۵	۱۴,۵۹	-۰,۱	۰,۹۲
	زن	۵۳	۷۰,۳۹	۱۴,۴۲		
تاجیک	مرد	۶۵	۶۴,۳۰	۱۲,۸۴	-۱,۸۴	۰,۰۶۸
	زن	۵۱	۵۹,۷۶	۱۳,۶۳		

جدول شماره ۳ آزمون تفاوت میانگین هویت قومی پاسخ‌گویان برحسب قومیت افراد نمونه را نشان می‌دهد. نتایج به‌دست‌آمده بر اساس آزمون F فرضیه فوق را تأیید می‌کند. سطح معناداری در میان پاسخ‌گویان برابر با (۰,۰۰۰) بوده است و مقدار F ۷,۲۹۷ می‌باشد. در واقع تفاوت معناداری بین نوع قومیت و هویت قومی وجود دارد و فرضیه فوق مورد تأیید می‌باشد.

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

جدول شماره ۳: آزمون تفاوت میانگین هویت قومی برحسب قومیت افراد

قومیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
پشتون	۹۴	۷۱,۰۱۱	۱۵,۳۶	۷,۲۹۷	۰,۰۰
هزاره	۱۳۹	۷۰,۵۵۴	۱۴,۴۷		
تاجیک	۱۱۶	۶۲,۳۱۰	۱۳,۳۳		

جدول شماره ۴ آزمون تفاوت میانگین هویت قومی پاسخ‌گویان در ۳ گروه قومی را برحسب مذهب افراد نمونه نشان می‌دهد. نتایج به‌دست‌آمده بر اساس آزمون T فرضیه فوق را در رابطه با گروه قومی همه اقوام تأیید می‌نماید. سطح معناداری میان پاسخ‌گویان پشتون

برابر با ($p=0.00$) و مقدار ضریب ($T=44.769$)، سطح معناداری میان پاسخ‌گویان هزاره برابر با ($P=0.00$) و مقدار ضریب ($T=57.456$)، سطح معناداری میان پاسخ‌گویان تاجیک برابر با ($P=0.00$) و مقدار ضریب ($T=50.335$)، در نتیجه تفاوت معناداری بین میانگین مذهب در این ۳ گروه قومی وجود دارد و فرضیه فوق در رابطه با آن‌ها تأیید می‌شود.

جدول شماره ۴: آزمون تفاوت میانگین هویت قومی افراد در ۳ گروه قومی برحسب مذهب

قومیت	مذهب	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
پشتون	شیعه	۲	۶۴	۹,۸۹۹	۴۴,۷۶۹	۰,۰۰
	سنی	۹۲	۷۱,۱۶۳	۱۵,۴۶۶		
هزاره	شیعه	۱۳۱	۷۰,۳۰	۱۴,۶۰	۵۷,۴۵۶	۰,۰۰
	سنی	۶	۷۲,۵۰	۱۳,۰۸		
تاجیک	شیعه	۸	۶۸,۶۲۵	۱۲,۳۶۲	۵۰,۳۳۵	۰,۰۰
	سنی	۱۰۸	۶۱,۸۴۲	۱۳,۳۳۶		

جدول ششماره ۵ نشان‌دهنده این است که بین هویت ملی و هویت قومی پاسخ‌گویان برحسب قومیت به گروه قوم پشتون ($p=0.000$) رابطه قوی و مثبت وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش هویت قومی افراد هویت ملی آن افزایش می‌یابد؛ یعنی فرضیه فوق با سطح معناداری قوی بین دو متغیر مذکور در گروه قومی پشتون تأیید و در دو گروه قومی دیگر رابطه معناداری وجود ندارد. در ضمن بین هویت دینی و هویت قومی پاسخ‌گویان برحسب قومیت در سه گروه قومی پشتون ($p=0.00$)، تاجیک ($p=0.00$)، هزاره ($p=0.00$) رابطه قوی و مثبت بین دو متغیر مذکور وجود دارد؛ یعنی با افزایش هویت دینی، هویت قومی افراد افزایش می‌یابد. با توجه به سطح معناداری به‌دست‌آمده از این ۳ گروه قومی، فرضیه فوق قابل قبول می‌باشد. هم‌چنین نتایج جدول بین هویت قومی و هویت جهانی پاسخ‌گویان در این جدول در ۳ گروه قومی پشتون، هزاره و تاجیک چنین نشان داده می‌شود. در گروه

قومی تاجیک با سطح معناداری ($p=0.012$) رابطه متوسط و مثبت بین دو متغیر مذکور وجود دارد؛ یعنی فرضیه فوق با سطح معناداری بین دو متغیر تأیید و به این معنا که با افزایش هویت جهانی، هویت قومی افراد افزایش خواهد یافت. و در گروه قومی پشتون و هزاره مورد تأیید نمی‌باشد.

جدول شماره ۵: ضریب همبستگی پیرسون هویت ملی، هویت مذهبی و هویت جهانی با هویت قومی

متغیر وابسته (هویت قومی)	متغیر مستقل (هویت ملی)		متغیر مستقل (هویت دینی)		متغیر مستقل (هویت جهانی)	
	همبستگی	معناداری	همبستگی	معناداری	همبستگی	معناداری
پشتون	۰,۳۶۷	۰,۰۰۰	۰,۴۳۰	۰,۰۰۰	۰,۰۳۷	۰,۷۲۷
هزاره	۰,۱۵۰	۰,۰۷۷	۰,۳۸۴	۰,۰۰۰	-۰,۰۶۷	۰,۴۳۳
تاجیک	۰,۱۵۱	۰,۱۰۶	۰,۴۰۶	۰,۰۰۰	۰,۲۳۳	۰,۰۱۲

جدول ۶ نتایج آزمون پیرسون بین میزان سرمایه اجتماعی اتصالی با میزان هویت قومی دانشجویان را به تفکیک قومیت نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده نشان‌دهنده این است که در گروه قومی تاجیک ($p=0.000$) رابطه قوی و مثبت بین متغیر وابسته هویت قومی و سرمایه اجتماعی اتصالی متغیر وابسته وجود دارد؛ اما بین گروه قومی پشتون با سطح معناداری ($0,۰۴۸$) و هزاره ($۰,۰۵۰$) رابطه متوسط و مثبت بین دو گروه قومی وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش سرمایه اجتماعی اتصالی افراد، هویت قومی آنان افزایش خواهد یافت. با توجه به نتایج به دست آمده از این ۳ گروه قومی، فرضیه فوق قابل قبول خواهد بود. هم‌چنین بین متغیر هویت قومی و سرمایه اعتماد اجتماعی در ۲ گروه قومی پشتون ($p=0.003$) و هزاره ($p=0.001$) رابطه قوی مثبت وجود دارد و فرضیه فوق مورد تأیید قرار خواهد گرفت؛ اما در گروه قومی تاجیک ($p=0.659$) رابطه معنادار نمی‌باشد و فرضیه مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. در فرضیه هویت قومی و سرمایه اجتماعی مشارکتی در گروه قومی پشتون ($p=0.000$) و هزاره ($p=0.050$) رابطه معنادار و مثبت وجود دارد و فرضیه در این تحقیق

مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ اما در گروه قومی تاجیک ($p=0.254$) مورد تأیید نمی‌باشد. در آخر بین هویت قومی دانشجویان و سرمایه اجتماعی کل در هر سه گروه قومی در این جدول نشان‌دهنده این است که در گروه قومی پشتون با سطح معناداری ($p=0.001$)، گروه قومی تاجیک با سطح معناداری ($p=0.003$) و در گروه قومی هزاره با سطح معناداری ($p=0.006$) رابطه قوی و مثبت، بین این دو متغیر وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش در میزان سرمایه اجتماعی کل پاسخ‌گویان، هویت قومی آن‌ها به مراتب قوی‌تر خواهد شد؛ لذا با توجه به سطح معناداری به‌دست‌آمده از این سه گروه قومی، فرضیه فوق مطابق جدول ذیل قابل قبول و تأیید می‌باشد.

جدول شماره ۶: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای سرمایه اجتماعی با هویت قومی

متغیر وابسته (هویت قومی)		متغیر مستقل				سرمایه ارتباطی اجتماعی		سرمایه اعتماد اجتماعی		سرمایه مشارکتی اجتماعی		سرمایه اجتماعی کل	
		سطح	ضریب همبستگی	سطح	ضریب همبستگی	سطح	ضریب همبستگی	سطح	ضریب همبستگی	سطح	ضریب همبستگی	سطح	ضریب همبستگی
پشتون	۰,۲۰۵	۰,۰۴۸	۰,۳۰۲	۰,۰۰۳	۰,۳۶۰	۰,۰۰۰	۰,۳۲۸	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۰۰۶	۰,۰۰۳	۰,۰۰۳	۰,۰۰۳
هزاره	۰,۱۶۶	۰,۰۵۰	۰,۲۹۱	۰,۰۰۱	۰,۱۶۴	۰,۰۵۴	۰,۲۳۳	۰,۰۰۶	۰,۰۰۶	۰,۰۰۳	۰,۰۰۳	۰,۰۰۳	۰,۰۰۳
تاجیک	۰,۳۴۲	۰,۰۰۰	۰,۰۴۱	۰,۰۵۹	۰,۱۰۹	۰,۲۴۵	۰,۲۷۸	۰,۰۰۳	۰,۰۰۳	۰,۰۰۳	۰,۰۰۳	۰,۰۰۳	۰,۰۰۳

نتایج جدول ۷ نشان‌دهنده رابطه بین متغیر مستقل میزان استفاده از رسانه‌های داخلی با متغیر وابسته هویت قومی بین دانشجویان دانشگاه تعلیم و تربیه کابل در سه گروه قومی پشتون، هزاره و تاجیک می‌باشد. نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق بین گروه قومی پشتون با سطح معناداری ($p=0.021$) رابطه مثبت متوسط بین دو متغیر مذکور وجود دارد؛ به این

معنا که فرضیه در گروه قومی مورد تأیید قرار خواهد گرفت؛ اما در دو گروه قومی هزاره و تاجیک رابطه معنادار نمی‌باشد و فرضیه مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. مرحله بعدی بین میزان استفاده از رسانه‌های خارجی و هویت قومی پاسخ‌گویان مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق نشان‌دهنده این است که در گروه قومی تاجیک با سطح معناداری ($p=0.025$) رابطه متوسط و مثبت بین متغیر میزان استفاده رسانه‌های خارجی و هویت قومی وجود دارد؛ اما این فرضیه در دو گروه قومی پشتون ($p=0.190$) و هزاره ($p=0.398$) مورد تأیید نمی‌باشد. فرضیه بعدی متغیر وابسته هویت قومی و متغیر مستقل اعتماد به نفس پاسخ‌گویان گروه قومی پشتون، هزاره و تاجیک مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج به‌دست‌آمده در این فرضیه با گروه قومی هزاره با سطح معناداری ($p=0.000$) و پشتون رابطه مثبت بین دو متغیر مذکور وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش در میزان اعتماد به نفس افراد، هویت قومی آن‌ها به‌مراتب قوی‌تر خواهد شد؛ لذا با توجه به سطح معناداری به‌دست‌آمده از این دو گروه قومی، فرضیه برای گروه قومی هزاره و پشتون قابل قبول خواهد بود. در گروه قومی تاجیک با سطح معناداری ($p=0.167$) بین این دو متغیر هیچ رابطه وجود ندارد و فرضیه مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. هم‌چنین بین متغیر هویت قومی و میزان رضایت از خود پاسخ‌گویان در سه گروه قومی نتایج جدول ۷ نشان‌دهنده این است که در گروه قومی هزاره با سطح معناداری ($p=0.009$) و پشتون با سطح معناداری ($p=0.023$) رابطه مثبت بین دو متغیر مذکور وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش میزان رضایت از خود، هویت قومی افراد قوی‌تر خواهد شد و فرضیه مورد قبول خواهد بود؛ اما در گروه قومی تاجیک با سطح معناداری ($p=0.127$) رابطه بین دو متغیر مذکور وجود ندارد. فرضیه مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

جدول شماره ۷: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل

متغیر مستقل								متغیر وابسته (هویت قومی)
میزان استفاده رسانه‌های داخلی		میزان استفاده رسانه‌های خارجی		میزان اعتماد به نفس		میزان رضایت از خود		
سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	
پشتون	۰,۲۳۹	۰,۰۲۱	۰,۱۳۶	۰,۱۹۰	۰,۲۵۵	۰,۰۱۳	۰,۲۳۵	
هزاره	۰,۱۱۷	۰,۱۷۱	۰,۰۷۲	۰,۳۹۸	۰,۳۰۰	۰,۰۰۰	۰,۲۲۱	
تاجیک	۰,۱۶۹	۰,۰۷۰	۰,۲۰۸	۰,۰۲۵	۰,۱۲۶	۰,۱۶۷	۰,۱۲۶	

نتایج جدول ۱۷ نشان‌دهنده این است که بین متغیر هویت قومی و متغیر سبک زندگی مدرن با گروه قومی تاجیک با سطح معناداری ($p=0.000$) رابطه قوی و مثبت بین دو متغیر مذکور وجود دارد؛ لذا با توجه به سطح معناداری به‌دست‌آمده از این گروه قومی، فرضیه فوق برای گروه قومی تاجیک قابل قبول خواهد بود؛ اما در رابطه با گروه‌های قومی پشتون ($p=0.254$) و هزاره ($p=0.352$) بین این دو متغیر هیچ رابطه‌ای وجود ندارد و فرضیه فوق برای این ۲ گروه رد می‌شود. در رابطه با متغیر هویت قومی و متغیر سبک زندگی سنتی در گروه‌های قومی پشتون، هزاره و تاجیک در جدول زیر این نتایج به‌دست‌آمده است. بین هویت قومی گروه تاجیک با سطح معناداری ($p=0.000$) و هزاره ($p=0.003$) رابطه قوی و مثبت اما در گروه قومی پشتون با سطح معناداری ($p=0.050$) رابطه متوسط و مثبت بین متغیر وابسته و مستقل وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش میزان سبک زندگی سنتی، هویت قومی افراد قوی‌تر خواهد شد. با توجه به سطح معناداری این فرضیه بین سه گروه قومی، فرضیه فوق قابل قبول خواهد بود و فرضیه تأیید می‌شود.

جدول شماره ۸: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر سبک زندگی و هویت قومی بر حسب قومیت

متغیر مستقل				متغیر وابسته (هویت قومی)
سبک زندگی سنتی		سبک زندگی مدرن		
سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰,۰۵۰	۰,۲۰۰	۰,۲۵۴	۰,۱۱۹	پشتون
۰,۰۰۳	۰,۲۴۶	۰,۳۵۲	۰,۰۷۹	هزاره
۰,۰۰۰	۰,۳۰۹	۰,۰۰۰	۰,۳۵۴	تاجیک

۳-۲. نتیجه تحقیق

تحقیق حاضر، با هدف بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با هویت قومی دانشجویان دانشگاه تعلیم و تربیه کابل انجام گرفت. در این تحقیق از بین عوامل فرهنگی، متغیرهای سبک زندگی، جنسیت، نوع مذهب، میزان استفاده از رسانه‌ها و میزان دین‌داری مورد بررسی قرار گرفت. مقایسه هویت قومی در سه گروه قومی نشان می‌دهد میانگین هویت قومی گروه قومی هزاره بیش‌تر از دو گروه قومی پشتون و تاجیک در بین دانشجویان می‌باشد.

بنیاد اندیشه

نتایج آزمون تفاوت میانگین میزان هویت قومی در میان دو جنس نشان می‌دهد بین زنان و مردان از لحاظ این شاخص، تفاوت وجود دارد؛ به این معنا که هویت قومی بین مردان در هر سه گروه قومی بیش‌تر از زنان است. یکی دیگر از متغیرهای فرهنگی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت، نوع مذهب دانشجویان است. این متغیر بین هر سه گروه قومی پشتون، هزاره و تاجیک رابطه معنادار با متغیر وابسته دارد؛ یعنی با افزایش گرایش‌های مذهبی، هویت قومی افراد قوی‌تر می‌شود. فرضیه دیگری که مورد بررسی قرار گرفت، متغیر وابسته هویت قومی با متغیر مستقل سبک زندگی مدرن و سنتی بین دانشجویان در این تحقیق است. متغیر سبک زندگی مدرن تنها با گروه قومی تاجیک رابطه معنادار با متغیر وابسته دارد و سبک زندگی سنتی با هر سه گروه قومی دانشجویان رابطه معنادار با متغیر وابسته دارد؛ یعنی هر اندازه وابستگی افراد به سبک زندگی سنتی بیش‌تر باشد، هویت قومی افراد قوی‌تر و بیش‌تر

می‌شود. نتیجه فرضیه حاضر با نظریه سبک زندگی گیدنز که بیان کرده است با افزایش گرایش به سبک‌های زندگی مشارکتی (سستی) موجب افزایش تعهد به هویت قومی می‌شود، همخوانی دارد.

در بررسی رابطه هویت دینی با هویت قومی در این پژوهش که مورد بررسی قرار گرفت، میزان دین‌داری دانشجویان در سه گروه قومی رابطه قوی و مثبت معنادار مشاهده شد؛ به این معنا که هر اندازه میزان دین‌داری پاسخ‌گویان افزایش پیدا کند، تعهد به هویت قومی قوی‌تر می‌شود. در مورد میزان استفاده از رسانه‌های گروهی تنها در گروه قومی پشتون در بعد رسانه‌های داخلی و گروه قومی تاجیک در بعد رسانه‌های خارجی رابطه معنادار است. نتیجه گروه قومی پشتون با نظریه گیدنز مطابقت دارد؛ یعنی افزایش میزان استفاده از رسانه‌های داخلی منجر به افزایش و تعهد هویت قومی افراد می‌شود.

در بررسی رابطه میزان اعتماد به نفس و رضایت از خود با هویت قومی، رابطه معناداری بین گروه قومی پشتون و هزاره مشاهده شده است؛ به این معنا که با افزایش میزان اعتماد به نفس و رضایت از خود، هویت قومی افراد قوی‌تر می‌شود. نتایج و یافته‌های تحقیقات پیشین نیز دو فرضیه فوق را تأیید کرده‌اند. نتایج آماناتیلور (۲۰۰۴) و نظریه عاطفه خود در مشابهت با تحقیق حاضر قرار گرفته‌اند. بر اساس نظریه استرایکر، افراد در ارزیابی هویت خود توسط دیگران احساساتی را تجربه می‌کنند. اگر این احساسات مثبت باشند، افراد احساس رضایت از خودشان و اعتماد به نفس‌شان ارتقا پیدا می‌کند و هویت‌شان را مورد تأیید قرار می‌دهند. این امر موجب برجستگی هویت قومی آن‌ها می‌شود. هم‌چنان که تحقیق حاضر بین دو گروه قومی نیز نشان داده است، رابطه معنادار و مثبتی بین میزان اعتماد به نفس دانشجویان و رضایت از خود آن‌ها با هویت قومی‌شان برقرار می‌باشد.

از آنجایی که گرایش به هویت قومی و برجسته‌شدن نوع خاصی از هویت موجب نگاه یک‌سویه و جانب‌دارانه در میان افراد می‌شود، پیشنهادات تحقیق در پی ارائه راه‌کارهایی برای تقویت هویت‌های چندگانه و هویت جمعی افراد ارائه می‌گردد.

۱. در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی باید راه‌کارهایی در پیش گرفته شود که هرچه بیش‌تر عام‌گرا باشند؛ به گونه‌ای که همه اقوام را در برگیرد؛ از جمله به هویت افغانی و اسطوره‌های ملی که همه اقوام به آن‌ها احساس تعلق دارند تأکید بیش‌تری صورت گیرد؛ زیرا در این صورت می‌توان تنوعات بیش‌تری را زیر چتر واحدی گرد آورد.

۲. با توجه به معنادار بودن رابطه بین هویت قومی و نوع مذهب بین دانشجویان هر سه گروه قومی که منجر به برجستگی هویت قومی آن‌ها می‌شود، می‌توان از طرق گوناگون مانند رسانه‌های همگانی، شبکه‌های اجتماعی و... بر اتحاد و برابری مذهبی (با تأکید بر اشتراکات مذهبی مانند مسلمان بودن در عین تفاوت مذهبی) تأکید بیش‌تری نمود تا بدین وسیله احساس «دیگری» بودن را از بین برده و همبستگی اجتماعی را ارتقا داد.

۳. در رابطه با متغیر سرمایه اجتماعی به‌طور کلی باید به طرق گوناگون ارتباطات اجتماعی افراد از قومیت‌های مختلف را ارتقا داد تا از این طریق (۱) اعتماد تعمیم یافته و برون‌گروهی همگام با اعتماد ویژه و درون‌گروهی افزایش پیدا کند؛ (۲) شناخت افراد از اقوام و فرهنگ‌های دیگر را افزایش داد؛ (۳) ایجاد نهادهای فرهنگی بین گروهی تا بدان طریق ارتباطات اجتماعی شبکه‌ای بین قومی بین افراد بر قرار کرد تا هویت جمعی و ملی افراد تقویت شود. در این زمینه می‌توان شبکه‌های اجتماعی چند قومیتی در دانشگاه‌ها تأسیس کرد تا ارتباطات اجتماعی افراد را در قالب این شبکه‌ها افزود و در نهایت از برجستگی هویت قومی دانشجویان کاسته و افراد هویت‌های چندگانه‌ای برای خود برگزینند.

۴. حمایت مالی دولت از اقشار کم درآمد در میان گروه‌های قومی، با توجه به این‌که یکی از عوامل تأثیرگذار بر هویت قومی، نامناسب بودن وضعیت اقتصادی و معیشتی اقوام است؛ لذا پیشنهاد می‌شود که دولت در مناطق قوم‌نشین، به حمایت مالی از اقشار و افراد کم درآمد بپردازد.

منابع

۱. احمدی، حمید، (۱۳۸۹)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران: از افسانه تا واقعیت، تهران، نشر نی.
۲. ارزگانی، مسیح، (۱۳۹۰)، افغانستان رنگین‌کمان اقوام، مشهد، انتشارات امید بدخشان.
۳. الطائی، علی، (۱۳۸۲)، بحران هویت قومی در ایران، تهران، نشر شادگان.
۴. اوز کریملی، اوموت، (۱۳۸۳)، نظریه‌های ملی‌گرایی، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران، انتشارات تمدن ایرانی.
۵. برادن، کتلین و فرد شلی، (۱۳۸۳)، ژئوپولیتیک فراگیر، ترجمه علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما، تهران، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی.
۶. پور، حبیب و صفری، رضا، (۱۳۸۸)، راهنمای جامع کاربرد (SPSS) در تحقیقات پیمایشی، تهران، انتشارات غزال.
۷. ستوده، هدایت‌الله، (۱۳۷۶)، روان‌شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آوای نور.
۸. سجادی، سید عبدالقیوم، (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی افغانستان؛ قوم، مذهب و حکومت، قم، انتشارات بوستان کتاب.
۹. سحابی، جلیل و هاشم آقابیک پوری، (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر بعد فرهنگی جهانی‌شدن بر هویت قومی، مطالعه موردی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهرستان بوکان»، فصلنامه مطالعات ملی، سال یازدهم، شماره ۱.
۱۰. سعادت، عوضعلی، (۱۳۸۵)، «افغانستان، گذر از گفتمان قومیت به گفتمان ملیت»، فصلنامه جامعه فردا، شماره ۳، زمستان ۸۵.
۱۱. ربانی، علی، رسول ربانی و محمدرضا حسنی، (۱۳۸۸)، «رسانه‌های جمعی و هویت ملی، مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال ۱۵، شماره ۲.
۱۲. ربانی، علی؛ یزدخواستی، بهجت؛ حاجیانی، ابراهیم و میرزایی، حسینعلی، (۱۳۸۷)، «رابطه هویت ملی و قومی در بین دانشجویان آذری، کرد و عرب دانشگاه‌های دولتی ایران»، فصلنامه ملی، سال دهم، شماره ۳.
۱۳. روحانی، علی، (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل اجتماعی-روانی مرتبط با هویت قومی دانشجویان دانشگاه شیراز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
۱۴. زهیری، علیرضا، (۱۳۸۰)، «هویت ملی و انقلاب اسلامی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره شانزدهم.
۱۵. ریتزر، جورج، (۱۳۸۹)، نظریه جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات مهارت.
۱۶. پویا، شریف، (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با هویت ملی دانشجویان دانشگاه تعلیم و تربیه کابل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
۱۷. صالحی، رزگار، (۱۳۹۱)، «عوامل فرهنگی روان‌شناختی مرتبط با هویت ملی نوجوانان کرد در شهرهای بانه و قروه»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سیزدهم، شماره ۳.
۱۸. غفاری‌نسب، اسفندیار، (۱۳۹۰)، «نقش حافظه جمعی در بروز منازعات قومی»، فصلنامه علمی، پژوهشی نبراس، سال ۲ و ۳، شماره ۵ و ۶.

۱۹. فکوهی، ناصر و آموسی، مجنون، (۱۳۸۸)، «هویت ملی و قومی در کردستان ایران»، مجله پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، سال اول، شماره دوم.
۲۰. کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۹)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد دوم: قدرت هویت، علی پایا (ویراستار ارشد)، حسن چاوشیان، تهران، طرح نو.
۲۱. کریمی، علی، (۱۳۹۰)، «درآمد بر جامعه‌شناسی سیاسی تنوع قومی؛ مسائل و نظریه‌ها»، تهران، انتشارات سمت.
۲۲. کلانتری، خلیل، (۱۳۸۵)، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی، تهران، انتشارات شریف.
۲۳. گلنر، ارنست، (۱۳۸۸)، ناسیونالیسم، ترجمه سید محمدعلی تقوی، تهران، نشر مرکز.
۲۴. گیدنز، آنتونی، (۱۳۹۰)، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
۲۵. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.
۲۶. مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۹)، «هویت ملی و تاریخ‌نگاری»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۲۴.
۲۷. مقصودی، مجتبی، (۱۳۸۰)، تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات ملی.
۲۸. مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ بمانیان، محمدرضا و خاکسار، ندا، (۱۳۸۹)، «هویت معماری؛ تبیین معنای هویت در دوره پیشامدرن، مدرن و فرامدرن»، نشریه هویت شهر، سال پنجم، شماره ۷.
۲۹. نواح، عبدالرضا؛ و قیصری، نوراله و تقوی‌نسب، سید مجتبی، (۱۳۸۹)، «آسیب‌شناسی مسائل قومی در ایران، مطالعه موردی عرب‌های ساکن شهرستان اهواز»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دور سوم، شماره ۳.
۳۰. دواس، دای.د، (۱۳۸۸)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران، نشر نی.
۳۱. وینسنت، اندرو، (۱۳۸۳)، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی.
۳۲. یزدانی، حسینعلی، (۱۳۷۲)، پژوهشی در تاریخ هزاره‌ها، قم، انتشارات احسانی.
33. Bombay, Amy and Kimberly Mathesoa and Hymie Anisman, (2010), "Decomposing Identity Differential Relationships between Several Aspects of Ethinc Identitu and the Negative Effects of Perceived discrimination Among first Nations Adults in Canada", Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology, Vol. 16, No 4, pp. 507- 516.
34. Gong, li, (2007), Ethnic identity and identification with the majority group: Relations with national identity and self-esteem, International Journal of Intercultural Relations, Vol. 31, No 4, pp. 503-523.
35. Galliher, Renee V. and Matthew D. Jones and Angie Dahl, (2011), "Concurrent and Longitudinal Effects of Ethnic Identity and Experiences of Discrimination on Psychosocial Adjustment of Navajo Adolescents", Developmental Psychology, Vol. 47, No 2, pp. 509- 526.
36. Lee, Ching and Felicial Pratto, (2011), "Changing Boundaries of Ethnic Identity and Feelings toward In-group Out-group: Examining Taiwan Residents from a

- Psycho-Historical perspective", *Journal of Cross- Cultural Psychology*, Vol. 42, No 1, pp, 3-24.
37. Maik Edwards, (1985), "Afghanistan's Troubled Cap: Tal, National Geographic, Vol. 167, No, p, 505. "Bridging and Linking in a Divided Society: A Social Capital Case Study from Northern Irland", *Urban Studies*, Vol. 48, No 5, pp. 959 – 976.
 38. Martha. E. Banal & George. P. Knishes, (1993), "Ethnic identity formation and transmission among Hispanic and other minorities", New York: SUNY Series: United States Hispanic Studies.
 39. Muir, Jenny, (2011), "Bridging and Linking in a Divided Society: A Social Capital Case Study From Northern Irland", *Urban Studies*, Vol. 48, No 5, pp. 959- 976.
 40. Prevos, Peter, (2004), "Cultural identity, function of social science", Sydney: Macquarie University.
 41. Rodriguez, Lillian, Seth J. Schwartz and Susan Krauss Whit Bourne, (2010), "Ethnic and Personal Identity in a Multiethnic Sample of Emerging, American Identity Revisited: The Relation between National Adults", *Journal of Adolescent Reseach*, Vol. 25, No 2, pp, 324-349.
 42. Sablonniere, Roxanede la and Emilie Auger and Nazgul Sadykova and Danald M. Taylor, (2010), "When the "We" Impacts How "I" Feel About Myself: Effect of Temporal Collective Relative Deprivation on Personal Well-being in the Context of Dramatic Social Change in Kyrgyzstan", *European Psychologist*, Vol. 15, No 4, pp, 271-282.
 43. Stryker, Sheldon and peter J. Burkner, (2000), "The Past, present, and Future of an Identity Theory", *Social Psychology Quarterly*, Vol. 63, No 4, pp. 284- 279.
 44. Tehranian, K. K, (1998), "Global communication and pluralization of identities", *Futuers*, Vol. 30, No 2/3, pp. 211- 217.
 45. Umana, Taylor, Adriana J, (2004), "Ethnic identiy and lef esteem: examining the role of social context", *Journal of Adolescence*, Vol. 27, pp. 139 – 146.